

سخن سرد چو

عن ابی حمزة قال: سمعت أبا جعفر عليه السلام يقول: إن الله أجل وأكرم وأعز وأعدل من أن يفرض طاعة عبد ويجعله حجة ثم يحجب عنه علم أرضه وسمائه.<sup>۱</sup>  
قال أبو عبدالله عليه السلام: الله أجل وأكرم وأرأف بعباده وأرحم من أن يفرض طاعة عبد ثم يكنه خبر السماء صباحاً ومساءً.<sup>۲</sup>

... أترون أن الله تبارك وتعالى افترض طاعة أوليائه على عباده ثم يخفى عنهم أخبار السموات والأرض.<sup>۳</sup>

تحلیل و تبیین و اثبات و استدلال مباحث امامت، اقیانوسی بس ژرف و بیکرانه است؛ آن اندازه ژرف که اعماق شناختی و معرفتی آن هنوز و همواره بر خردورزان و اندیشه‌وران ناشکافته مانده و آنچنان بیکرانه که شمول و گستره جغرافیای آن همواره و هنوز بر ابصار و بصائر نیافته مانده است.

و این بشر حیران در این اقیانوس بیکران راه جز سفینهٔ اهل بیت علیهم السلام، که به ساحل معرفت و ادراک تواند رساند؟ جز بر محمل کلام ربانی ائمه آسمانی عترت علیهم السلام، نمی توان منازل معرفت را در منظومهٔ قرب و ارادت ایشان پیمود.

این ورطه، بیکرانه بحری است که عقل برای پیمودن و راه گشودن به آفاق آن، خود را بس شکسته و در گل نشسته می‌یابد.

و چگونه چنین نباشد، با آنکه عقل را امکان احاطه به ملکوت حقیقت و مقام نورانیت امام - آن مخلوق محیط بر دیگر مخلوقات - نیست.

اما عقل را این سهم و بهره هست که در پرتو ارشاد و تنبیه امام و قرآن، به تنقیح دلیل و برهان برخیزد و به تقریب و تقریرهای بدیعش درآمیزد و آن محتوای حق را در قالب‌های تازه ریزد و طرحی نو در اندازد و در فشی دیگر در دفاع از امامت برافرازد؛ همان گوهر نفیسی که پیکار مردی چون هشام بن حکم، پشتوانهٔ محکم خود را در بحث و بیان، همین شیوه برشمرده است: «شیء أخذته منك وألفته».<sup>۴</sup>

۱. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصية/ ۱۸۰.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة/ ۳۲۶، مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۲/۴۸.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۲۶۱ و ۲/۸۷۱؛ حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر/ ۱۲۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۶/۱۴۹ و ۴۴/۲۷۶.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۱۷۰.

این مهم، یعنی برون کشیدن گوهر تحلیل و استدلال از مکنون کلمات پیامبر و آتش - صلوات الله علیهم - و کشیدن آن به چارچوب تبیین های فکری و عقلی و ارائه آن در قالب تحلیل های اجتماعی و عرفی، آنهم در خور فهم و ادراک مخاطبین امروزین، یکی از بایسته های امامتی است که باید در زاویه دید امامت اندیشان و امامت پژوهان قرار گیرد.

بسیارند روایاتی که ادله و شئون امامت را به رؤیت عقل رسانده اند و خود را در آن به کرسی داوری نشانده اند و عقلانیت، راستی و روایی همه گزاره های آموزه امامت را به روشنی جلوه گر ساخته اند.

از این نمونه، می توان به احادیث پرشماری اشاره کرد که رابطه میان لزوم فرض طاعت و علم امام و مخفی نبودن اخبار آسمان و زمین از امام را به رؤیت و تصدیق عقل می رسانند. اگر بر سر آنیم که در چرخه های افهام و عقول را بر امامت جانشینان رسول ﷺ بگشاییم و اگر می خواهیم انسان حیرت زده معاصر را به ضرورت وجود امام، چپستی و چرایی امامت، فواید وجود امام، دارایی ها، خصائص، مقامات، شئون، مراتب و مناصب امام - با بیانی که بیابد و همراه و همدل گردد - آشنا کنیم، باید قدمی محکم در این راه برداریم.

با یادآوری این مهم به خود و تمامی دل مشغولان عرصه پژوهش امامت، و به نام خدا و با یاد ولی حاضرش - علیه السلام و عجل الله فرجه - چهارمین دفتر امامت پژوهی را می گشاییم. در بخش نخست، مقالاتی درباره دلالت آیه شریفه ولایت بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز درباره مقایسه گستره علم امام در دو کتاب کافی و بصائر الدرجات آورده شده است. همچنین مانند شماره پیشین نمونه ای از تألیفات مستشرقین در باب مسایل امامت ترجمه و ارائه گردیده است.

موضوع پرونده علمی این شماره، روشنفکران و مسأله امامت است که دیدگاه های آنان درباره برخی از مسائل امامت مثل بازخوانی تشیع، تفویض، شرک انگاری مقامات ائمه (علیهم السلام)، تعارض ولایت امام و خاتمیت نبی و ... طرح و نقد شده است.

در بخش نقد اندیشه، یکی از آثار دکتر شریعتی از حیث منبع شناسی مورد نقد قرار گرفته است. و در نهایت در بخش کتاب شناخت؛ یکی از مقالات ارائه شده، معرفی کتاب ضیاء العالمین است که در عین ارزشمند بودن آن، تاکنون کمتر شناخته شده است.

در انتهای این شماره، چکیده های برخی از مقالات به انگلیسی ترجمه شده که زین پس بعنوان بخشی ثابت در هر شماره خواهد آمد.

امیدواریم تلاش ناچیز پیش رو در خاطر شریف موالیانمان به چشم آید و مقبول افتد.